

محدودیت‌های حاکم بر نهاد دادستانی دیوان کیفری بین‌المللی در تحقیقات مقدماتی

محمدصادق چاووشی^۱

چکیده

زمینه و هدف: مقابله با نقض فاحش حقوق بنیادین انسان‌ها منجر به آن گردید تا نهادی به نام دیوان کیفری بین‌المللی بنیان‌گذاری شود. با توجه به مفاد اساسنامه، دادستانی دیوان، در صورت احراز این امر که مبنای مستدلی برای تحقیق وجود دارد، از شعبه مقدماتی تقاضای صدور مجوز شروع تحقیقات را می‌نماید. بر این مبنای این سؤال مطرح است که چه محدودیت‌هایی در انجام تحقیقات مقدماتی بر عملکرد نهاد دادستانی دیوان حاکم می‌باشد؟

روش: پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و به لحاظ گردآوری اطلاعات به روش اسنادی و از طریق مطالعه قوانین و منابع معتبر انجام شده و اطلاعات به دست آمده به صورت توصیفی - تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌ها و نتایج: اختیارات نهاد دادستانی دیوان در تحقیقات مقدماتی بی‌حد و حصر نبوده و محدودیت‌هایی بر آن حاکم می‌باشد. این موارد شامل، تعیین اتهامات متهم که انحصاراً به عهده دادستان است، نظارت بر فرآیند تحقیقات توسط دادستان و یا قائم مقام او، رعایت حقوق دفاعی متهم در فرآیند بازجویی (حق تفهیم اتهام به متهم، حق داشتن وکیل، حق برخورداری از معاینات پزشکی)، ابتکار عمل دادستان در شروع تحقیقات مقدماتی، تردید در بی طرفی دادستان و محدودیت زمانی می‌باشد.

کلید واژه‌ها: دیوان بین‌المللی کیفری، دادستان، تحقیقات مقدماتی، متهم، وکیل، نقض فاحش.

* استناددهی (APA): چاووشی، محمدصادق. (۱۴۰۰). محدودیت‌های حاکم بر نهاد دادستانی دیوان کیفری بین‌المللی در تحقیقات مقدماتی. *تحقیقات حقوقی بین‌المللی*، ۱۴(۵۳)، ۱۵۶-۱۳۹.

http://alr.iauctb.ac.ir/article_687338.html

مقدمه

با ارتکاب جرائم هولناک در طول قرن بیستم به تدریج جامعه جهانی به فکر محاکمه مرتکبین این جرائم افتاد. از این رو در اوایل قرن بیستم شاهد شکل گیری محاکم کیفری بین المللی برای محاکمه مرتکبین جرائم علیه صلح و امنیت بین المللی و برهم زندگان نظم جامعه هستیم. فرد متهم را نمی توان مجرم فرض کرد، چه در این فرض دادگاه و دادرسی فلسفه خود را از دست می دهد و در یک نظام دادرسی مترقی و انسانی نقش دادگاه داوری بی طرفانه میان اصحاب دعوی است. اصل تساوی افراد در مقابل دادگاه یک قضیه دوطرفه بوده و دربردارنده حقوق همه اطراف دعوی از جمله مدعی، متهم و شاهدان است (خداخواه، ۱۳۹۷: ۱۵۰).

یکی از مسائلی که شکل دهنده دادرسی در مراحل بعدی است، تحقیقات مقدماتی است که به توجیه به ساختار دیوان کیفری بین المللی این امر بر عهده دادستان و معاونان وی می باشد. در انجام تحقیقات مقدماتی دیوان اختیاراتی در اساسنامه برای دادستان تعریف شده است.

تحقیقات مقدماتی مرحله حساس دادرسی کیفری است، اقدامات قضات تحقیق و ضابطان دادگستری در موارد خاص، در این مرحله همانند مراحل کشف جرم، تعقیب متهم و دادرسی به معنی اخص، باید متضمن حفظ حقوق و آزادی های اساسی متهمان، ترمیم خسارات بزه دیدگان و تأمین نظم عمومی و منافع اجتماع باشد. با این همه تأمین حفظ حقوق فردی و اجتماعی مزبور به طور توأمان در این مرحله از دادرسی از پیچیدگی و ظرافت خاص بیشتری برخوردار است (موذن زادگان، ۱۳۸۹: ۳۰۲).

دفتر دادستانی به عنوان یکی از ارکان مستقل دیوان بین المللی کیفری شامل سه بخش صلاحیت، تحقیق و تعقیب است. در رأس این رکن دادستان قرار دارد. طبق ماده (۵) اساسنامه دیوان کیفری بین المللی، دفتر دادستانی صلاحیت های مهمی همچون بررسی وضعیت های ارجاع شده توسط دول عضو اساسنامه یا شورای امنیت، دریافت، بررسی جدید بودن و وثاقت اطلاعات واصله در مورد یک وضعیت، درخواست همکاری از دولت ها یا از ملل متحد، بررسی و ارزیابی وجود مبنای معقول برای آغاز تحقیقات و درخواست مجوز از شعبه مقدماتی و غیره را بر عهده دارد. به منظور مقابله با جنایات بین المللی، دیوان کیفری بین المللی با چالش ها و محدودیت های زیادی روبه روست که بر سرعت و کارآمدی آن تأثیر می گذارد. بخشی از این چالش ها ناشی از مقررات خود سند مؤسس دیوان کیفری بین المللی می باشد. (بیگ زاده، ۱۳۸۲: ۶۰) بر این اساس در این پژوهش به دنبال بررسی این امر هستیم که چه محدودیت هایی بر نهاد دادستانی دیوان کیفری بین المللی در تحقیقات مقدماتی حاکم می باشد؟

۱. از کنفرانس‌های لاهه تا دیوان کیفری بین‌المللی

وقوع جرایم در صحنه بین‌المللی حادثه نوپایی به‌شمار نمی‌رود، اما واکنش‌هایی که در هر برهه از زمان نسبت به این پدیده برانگیخته شده، متفاوت است. انسان در هر زمانی به اقتضاء توان و متناسب با شرایط زمانی و مکانی نسبت به جنایات بین‌المللی واکنش نشان داده است. امروزه توسعه روابط، سرعت در تبادل اطلاعات و پیشرفت تکنولوژی در تمام زمینه‌های زندگی که خود توسعه ارتباطات و مراودات را در پی دارد، در سطح جهان گسترش یافته و تأثیر آن بر گسترش جرایم نیز پوشیده نیست. عصر ما از این جهت دارای خصوصیت ویژه‌ای است، چه اینکه جرایم برخلاف گذشته که تعرض به حقوق افراد محسوب می‌گردید، امروزه دامنه اثر آنها مرزهای جغرافیایی را نیز درنوردیده و اسباب فجایعی را فراهم نموده که موجب اضطراب جامعه بین‌المللی شده و وجدان بشریت از شدت آنها متأثر شده است. این ویژگی‌ها سبب گردیده که امروزه دولت‌ها با بین‌المللی شدن پدیده مجرمانه روبه‌رو شوند (شریعت باقری، ۱۳۸۹: ۱۱۲).

اجرای عدالت کیفری بین‌المللی گرچه در قرن بیستم مطرح و نخستین گام‌ها نیز در این زمان برداشته شده است، اما عقیده آن ریشه در تاریخ بشریت دارد و جزء آرزوهای دیرینه او است. چه اینکه فجع‌ترین جنایات در طول تاریخ توسط حاکمان و صاحب‌منصبانی صورت گرفته که موانع حقوقی مانند اصل عدم مداخله، درون‌مرزی بودن حقوق جزا و مصونیت سیاسی سران دولت‌ها، راه اجرای عدالت کیفری را در مورد این جنایتکاران بسته است. سنگ بنای اجرای عدالت کیفری بین‌المللی در دادگاه‌های بین‌المللی نورنبرگ و توکیو نهاده شد. تداوم اصول پذیرفته‌شده در این دادگاه‌ها با ایجاد دادگاه‌های بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا در دهه ۹۰ میلادی تبلور یافت. سرانجام در پایان قرن بیستم با تشکیل دیوان کیفری بین‌المللی به‌عنوان حلقه تکمیل‌کننده اقدامات مقطعی سابق، شکوفا شد (اختری و افراسیابی، ۱۳۹۲: ۴).

کنفرانس‌های صلح لاهه را می‌توان مهم‌ترین تلاش بین‌المللی در زمینه مقابله با جرائم بین‌المللی دانست که منجر به شکل‌گیری کنوانسیون‌های لاهه گردید. اولین منبع حقوق بشردوستانه کنوانسیون‌های لاهه می‌باشد که از نتایج دو کنفرانس صلح لاهه در سال ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ می‌باشد و در آن استفاده از برخی سلاح‌ها در جنگ مانند شیمیایی، میکروبی و... ممنوع شد. در حقیقت اولین اقدام برای انسانی شدن حقوق بین‌الملل کلیک خورد. ضمانت اجرای کنوانسیون‌های لاهه، اقدام متقابل بود؛ یعنی اگر دولتی از سلاح‌های نامتعارف و ممنوعه استفاده می‌کرد، دولت مقابل هم حق استفاده داشت. لذا ضمانت اجرای مؤثری نبود؛ زیرا در مقابل عمل متخلفانه اجازه اقدام متخلفانه برای دولت دیگر ایجاد می‌شد.

مقاوله‌نامه‌های ۱۹۰۷ لاهه، در خصوص موضوع توسل به‌زور نسبتاً سکوت اختیار کرده‌اند. گرچه مقاوله‌نامه‌های مذکور، توسل به‌زور را غیرقانونی اعلام نکردند، اما برخی محدودیت‌ها را بر

آزادی توسل به زور در مقاله نامه های اول و دوم اعمال نمودند. ایده اصلی از تصویب اسناد مذکور که متعاقباً در میثاق جامعه ملل پرورش یافت، این بود که توسل به جنگ باید مشروط به بی نتیجه ماندن توسل به روش های مسالمت آمیز حل اختلاف باشد. به موجب مقاله نامه اول، دولت های عضو توافق می نمایند تا نهایت تلاش خود را جهت تضمین حل و فصل صلح آمیز اختلافات بین المللی به کار گیرند و جهت نیل بدین منظور، توافق می نمایند از مساعی جمیله یا میانجیگری دولت های دوست تا حدی که شرایط اجازه دهد و قبل از آنکه به سلاح متوسل شوند، استفاده نمایند (کنوانسیون اول لاهه^۱، ۱۹۰۷: ۱-۲).

البته حقوق بین الملل برخلاف حقوق داخلی دارای ضمانت اجرای کامل و مؤثر نیست تا بتوان مسئول را مکلف به جبران و ترمیم خسارت نمود، لیکن برخی از کشورها در مقابله با کشوری که از جبران خسارت خودداری می کرد، اقداماتی کرده اند که در جامعه بین المللی به عنوان رویه از آنها یاد شده است و معمولاً آنها را «اقدامات مقابله به مثل» می گویند. لازم به ذکر است که این اقدامات در زمان جنگ به دلیل نامشروع بودنشان تدریجاً به عدم رعایت و نقض کامل حقوق جنگ منتهی شده است.

اقدامات مقابله به مثل مسلحانه، همچون درگیری مسلحانه از شیوه های سنتی اعمال قدرت و توسل به زور توسط کشورهاست. در واقع هدف از چنین اقداماتی، مجازات طرف متخلف و یا اجبار طرف متخلف به قطع اعمال متخلفانه و نامشروع و یا به طور کلی رعایت حق، اقامه عدل و جبران خسارت احتمالی است. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۲: ۶۲) دومین منبع، حقوق بشردوستانه قوانین عرفی بین المللی بود که دولت ها اغلب در جنگ ها از آنها استفاده می کردند و کم کم به واسطه تکرار، به عنوان قاعده، نهادینه شده بود. سومین منبع، حقوق بشردوستانه، کنوانسیون های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل های الحاقی به آن است که این چهار کنوانسیون شامل موضوعات زیر است: الف) بهبود سرنوشت مجروحین و بیماران نیروهای مسلح در جنگ های زمینی؛ ب) بهبود سرنوشت مجروحین، بیماران و غریقان نیروهای مسلح در دریا؛ ج) کنوانسیون پیرامون مبادله اسیران جنگی؛ د) کنوانسیون پیرامون حمایت از غیرنظامیان در زمان محاصره مسلحانه.

بدین نحو دولت های عضو کنوانسیون های ژنو متعهد گردیدند تا در زمان بروز محاصره مسلحانه غیرنظامیان هدف قرار نگیرند و همچنین با اسرا و مجروحین رفتاری انسانی داشته باشند. ضمانت اجرای عدم رعایت این قواعد در قالب «نقض های فاحش» جرم انگاری شد و بنا گردید چنانچه دولتی مرتکب نقض فاحش شود در یک محکمه کیفری بین المللی محاکمه شود. لذا تفاوت ضمانت اجرای کنوانسیون های ژنو با لاهه در همین بود.

1. Hague Convention I (1907)

۲. تشکیلات دیوان کیفری بین‌المللی

بعد از جنگ جهانی دوم و به دنبال اقدامات مقطعی و موقتی نظیر تشکیل دادگاه‌های نورنبرگ، توکیو و ...، سرانجام کنفرانسی از نمایندگان ملل متحد به منظور تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی از ۱۱ ژوئن تا ۱۱ ژوئیه ۱۹۹۱ میلادی برگزار شد. در نهایت اینکه اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در ژوئیه ۲۰۰۲م لازم‌الاجرا گردید و بدین ترتیب دیوان کیفری بین‌المللی پا به عرصه وجود گذاشت، اما آنچه در این پژوهش از اهمیت اساسی برخوردار است بررسی ساختار و تشکیلات دیوان کیفری بین‌المللی می‌باشد؛ چراکه دادگاه کیفری بین‌المللی دارای شخصیت حقوقی بین‌المللی است که جزء نهادهای رسمی سازمان ملل متحد نمی‌باشد (کریمی و کیانی، ۱۳۹۴: ۲). در ادامه به بررسی صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی، ساختار و تشکیلات آن می‌پردازیم.

۲-۱. صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی

اساسنامه دادگاه بین دو مفهوم «قابلیت پذیرش» و «صلاحیت» تفاوت قائل شده است. منظور از صلاحیت قابلیت دادگاه جهت رسیدگی به دعوی مختلف از لحاظ عناصر زمانی، مکانی، نوع جرایم ارتكابی، وضعیت مرتکبان آنها و نظایر اینها می‌باشد. درحالی‌که منظور از قابلیت پذیرش پاسخگویی به این سؤال است که در صورت وجود آن صلاحیت‌ها و پس از احراز آنها، دادگاه کیفری بین‌المللی با چه شرایط و در چه مواردی حق دخالت دارد (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۸: ۴۴). پیرامون صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی ماده (۵) اساسنامه رم مقرر می‌دارد «صلاحیت دیوان محدود است به مهم‌ترین جرائمی که مایه نگرانی مجموعه جامعه بین‌المللی است. دیوان به موجب این اساسنامه نسبت به جرائم زیر صلاحیت رسیدگی دارد: الف) نسل‌زدایی؛ ب) جرائم ضد بشریت؛ ج) جرائم جنگی و د) جرم تجاوز ارضی» همچنین از حیث صلاحیت زمانی بر مبنای ماده (۱۱) اساسنامه رم، «دیوان کیفری بین‌المللی تنها نسبت به جرائمی که از زمان لازم‌الاجرا شدن این اساسنامه ارتکاب یافته باشد صلاحیت دارد».

به علاوه صلاحیت دیوان تکمیلی است، یعنی محکمه داخلی صلاحیت اصلی و اولیه رسیدگی را خواهد داشت و اگر محکمه داخلی نخواهد یا نتواند رسیدگی کند، صلاحیت به دیوان کیفری بین‌المللی منتقل می‌شود. منظور از نخواهد این است که یا تمایلی به محاکمه ندارد و یا محاکمه صورتی به قصد فراری دادن متهم از مجازات انجام می‌شود. منظور از نتواند این است که دستگاه قضایی سالم و توانمندی برای محاکمه وجود نداشته باشد یا دستگاه قضایی تحت نفوذ باشد.

ماده (۱۳) اساسنامه رم در این خصوص مقرر می‌دارد «دیوان می‌تواند مطابق مقررات این اساسنامه صلاحیت خود را نسبت به جرائم مذکور در ماده (۵) اعمال نماید، چنانچه: الف) یک دولت عضو وضعیتی را در آن یک یا چند جرم به نظر می‌رسد ارتکاب یافته است، به موجب ماده

(۱۴) به دادستان ارجاع نماید؛ ب) شورای امنیت وضعیتی را که در آن یک یا چند جرم به نظر می رسد ارتکاب یافته است، به موجب فصل (۷) منشور ملل متحد به دادستان ارجاع نماید؛ یا ج) دادستان تحقیقاتی را به موجب ماده (۱۵) در مورد آن جرم شروع نموده باشد.» در ماده (۲۶) اساسنامه رم به عدم شمول صلاحیت دیوان نسبت به اشخاص کمتر از ۱۸ سال اشاره دارد و از نوآوری های اساسنامه می توان به عدم تأثیر سمت رسمی افراد در صلاحیت دیوان اشاره نمود که بر مبنای ماده (۲۷) اساسنامه رم «این اساسنامه نسبت به همه افراد بدون در نظر گرفتن سمت رسمی آنان و بدون هیچ گونه تبعیضی اجرا خواهد شد...».

از جمله موارد دیگری که بر صلاحیت دیوان تأثیر دارد، قلمرو سرزمینی دول عضو است که ماده (۱۲) مقرر می دارد «پیش شرط های اعمال صلاحیت دولتی که عضو این اساسنامه می شود، بدان وسیله صلاحیت دیوان را نسبت به جنایات مذکور در ماده ۵ می پذیرد. در حالت ماده ۱۳، بند الف یا ج، دیوان در صورتی می تواند صلاحیت خود را اعمال نماید که حداقل یکی از دولت های ذیل عضو این اساسنامه باشند یا صلاحیت دیوان را بر طبق بند ۳ پذیرفته باشند: دولتی که در قلمرو آن [جرم] فعل یا ترک فعل مورد نظر روی داده یا در صورتی که آن جنایت در کشتی یا هواپیما ارتکاب یافته، دولتی که آن کشتی یا هواپیما در آن به ثبت رسیده است. دولتی که شخص مورد تحقیق یا تعقیب تبعه آن است. چنانچه پذیرش [اعمال صلاحیت دیوان توسط] دولتی که عضو این اساسنامه نیست، به موجب بند ۲ مورد نیاز باشد، آن دولت می تواند با سپردن اعلامیه ای نزد رئیس دبیرخانه اعمال صلاحیت دیوان را نسبت به جنایت مورد نظر بپذیرد. دولت پذیرنده به موجب فصل ۹ باید بدون هیچ گونه تأخیر یا استثناء با دیوان همکاری نماید.» با لحاظ صلاحیت های بیان شده برای دیوان کیفری بین المللی، نهاد دادستانی امکان بررسی و شروع به تحقیقات مقدماتی را می یابد که در ادامه به مطالعه ساختار این نهاد می پردازیم.

۲-۲. ساختار و تشکیلات نهاد دادستانی دیوان

مطابق مواد (۱) ۶۱ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی برای یوگسلاوی سابق و ماده (۱) ۵ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی برای رواندا، دادگاه کیفری بین المللی نیز مثل دیوان های کیفری بین المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا دارای دادسرای مستقلی می باشد که در رأس آن دادستان و یک یا چند معاون به طور تمام وقت انجام وظیفه می کنند (میر محمد صادقی، ۱۳۸۸: ۲۲۰).

در گزارش سال ۱۹۹۴ میلادی کمیسیون حقوق بین الملل درباره اساسنامه دیوان کیفری بین المللی چنین آمده است «پیشنهادهایی در مورد دادستانی مطرح شد از جمله اینکه این اختیارات، به جای یک فرد، به گروهی از افراد واگذار شود، تشکیلات دادستانی گسترش یابد تا با اجرای صحیح عدالت تضمین گردد و برای دادستان استقلال بیشتری در زمینه مقررات مربوط به عزل در

نظر گرفته شود...» در بند (ج) ماده (۵) پیش‌نویس اساسنامه دیوان در مورد ارکان دیوان به‌جای کلمه دادسرا، آمده است: «دادستانی در ماده ۱۲...» با نگاهی اجمالی به پیش‌نویس تهیه شده کمیته مقدماتی و همچنین وجود نهادی به نام دادسرا یا دادستانی در معیت دیوان کیفری بین‌المللی در جهت بررسی و تحلیل نسبت به وضعیت ارجاعی یا بررسی و تحلیل در مورد صحت و سقم اطلاعات واصله ظاهراً اتفاق نظر در میان دولت‌ها بوده است. (گزارش کارگروه کمیسیون حقوق بین‌الملل^۱، ۱۹۹۴: ۳۳) بند (۱) ماده ۴۲ اساسنامه دیوان به ساختار دادسرای دیوان و نحوه اداره آن اشاره داشته و مقرر می‌دارد: «دادسرا به‌عنوان ارکان مستقل دیوان در عملکرد خود مستقل است. این اداره متصدی دریافت مکاتبات و اخذ اطلاعات مربوط به جرائمی است که در صلاحیت دیوان است. همچنین وظیفه بررسی اطلاعات مزبور، هدایت در امر تحقیق و دفاع از کیفرخواست در مقابل دادگاه به عهده دادسرا است. اعضای این اداره، نه دستوری از خارج دریافت نموده و نه براساس دستوری از خارج عمل می‌کنند.» بند (۲) نیز مقرر می‌دارد «اداره امور دادستانی به عهده دادستان است. دادستان برای اداره امور دادستانی دارای اختیارات کامل است. این اختیارات شامل کارکنان، تأسیسات و سایر منابع است. یک یا چند معاون که توانایی انجام همه امور را که به موجب این اساسنامه به عهده دادستان است داشته باشند، دادستان را یاری خواهند کرد. دادستان و معاونان دادستان باید از اتباع کشورهای مختلف باشند و همه آنها به طور تمام وقت انجام وظیفه خواهند کرد.» در خصوص ویژگی‌های فرد برای منصب دادستان نیز محدودیت‌هایی در اساسنامه ذکر شده است. از جمله در بند (۳) ماده (۴۲) که مقرر داشته «دادستان و معاونان دادستان باید واجد سجایای عالی اخلاقی بوده و صلاحیت کافی و تجربه عملی قابل توجهی در تعقیب امور کیفری یا محاکمات جزایی داشته باشند. آنان می‌بایست شناخت عالی و تسلط عملی بر حداقل یکی از زبان‌های کاری دیوان داشته باشند.» در بند (۴) پیرامون نحوه انتخاب دادستان نیز مقرر می‌دارد «دادستان با رأی مخفی اکثریت مطلق مجمع دولت‌های عضو انتخاب خواهد شد. معاونان دادستان نیز به همین ترتیب بر اساس فهرستی که از سوی دادستان ارائه خواهد شد انتخاب می‌شوند. برای هر پست خالی معاونت دادستانی، دادستان ۳ نفر داوطلب معرفی خواهد کرد. دادستان و معاونان دادستان وظایفشان را برای مدت ۹ سال انجام خواهند داد مگر اینکه در زمان انتخاب برای دوره ای کوتاه‌تر از این مدت برگزیده شده باشند، آنان قابل انتخاب مجدد نیستند» از جمله نهادهای دیگری که در ارتباط با دادستانی دیوان می‌باشد، شعبه مقدماتی است.

شعبه مقدماتی از ارکان مهم دیوان کیفری بین‌المللی می‌باشد که نقش مهمی در رسیدگی‌های دیوان دارد. عمده وظایف شعبه مقدماتی را می‌توان در سه بخش مهم تقسیم‌بندی نمود: الف)

1. Report of the International Law Commission Work of his Forty- Sixth Session, 2may- 22july,1994
UN General Assembly Official Records. Forty- Ninth Session Supplement No. 10

صدور مجوز شروع تحقیقات؛ ب) صدور حکم بازداشت در صورت کافی بودن مدارک؛ ج) تأیید اتهامات ادعا شده علیه متهم (سبحانی، ۱۳۹۹: ۴).

۳. محدودیت های حاکم بر نهاد دادستانی

هر امری برای رسیدن به هدفی خاص ایجاد می شود و در ورای ایجاد هر قانونی نیز اندیشه ای وجود دارد. تحقیقات مقدماتی اگرچه مرحله ای مهم و حساس در امر رسیدگی های کیفری است اما با هدفی خاص توسط مقنن مورد محدودیت قرار گرفته است.

از جمله دلایلی که در رد تأثیر اربعایی محاکمات بین المللی آورده می شود، فراهم نبودن شرایط و مقدمات لازم برای اثربخشی محاکمات است. ارباع نیازمند حتمیت و قطعیت، شدت و سرعت اعمال مجازات ها است و محاکمات بین المللی بدون استثنا فاقد هر سه خاصیت مذکور محسوب گشته اند. با استناد به محاکمات گزینشی حتمیت و قطعیت از اعتبار افتاده است. با توجه به حذف مجازات های شدیدی چون اعدام، شدت دچار اختلال شده و با توجه به فقدان همکاری لازم میان محاکم بین المللی و دیپلمات ها و سیاستمداران جهانی، معمولاً محاکمه ها، طولانی و فرسایشی هستند. از طرف دیگر اساسنامه برخلاف ذات حقوق کیفری رسیدگی های را اختیاری و غیر الزامی مقرر نموده است (ویپ من^۱، ۲۰۰۶: ۱۱۳).

در دیوان بین المللی کیفری، سیستم ارجاع مستقیم پرونده به دادگاه وجود ندارد و نقش دادستان در تصمیم به تعقیب و مدیریت قضایی موضوعات داخل در صلاحیت این مرجع، بسیار حساس است به موجب بند (۳) ماده (۱۳) اساسنامه دیوان، یکی از سازوکارهای اعمال به آغاز صلاحیت در دیوان، اقدام خود دادستان است که به اعتبار سمت و اختیاراتش صورت می گیرد. به موجب ماده (۱۵) دادستان می تواند به ابتکار خویش و به اعتبار اطلاعاتی که از اشخاص و مراجع مختلف به دست می آورد، تحقیقاتی را در خصوص مورد آغاز نماید و اگر به این نتیجه برسد که مبنای معقول برای توسعه تحقیقات وجود دارد، درخواستی را به انضمام کلیه اسناد و مدارک مثبت های که جمع آوری کرده است، برای گرفتن مجوز تحقیقات به شعبه مقدماتی تسلیم نماید (عابدی تهرانی و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۹).

بر این مبنای اختیاراتی در مرحله تحقیق به دادستان داده شده است تا امکان جمع آوری ادله و تعقیب کیفری علیه متهم فراهم باشد. با توجه به استقلال نهاد دادستانی از دیوان این اختیارات موجب می گردد تا متهم در شرایطی قرار گیرد که حقوق وی که به «حقوق متهم» شناخته می شود، نقض گردد.

متهم فردی است که فاعل جرم تلقی شده، ولی هنوز انتساب جرم به وی ثابت نگردیده است و

1. Wippman

خواه ناخواه و یا روا یا ناروا، اتهام یا اتهاماتی به او نسبت داده شده است. وظیفه نظام قضایی این است که در چنین حالتی هم به حفظ حقوق فردی و هم حقوق اجتماعی بپردازد. از آنجا که انسان موجودی است زنده به همراه حق، لذا باید حقوق او نیز رعایت گردد و خصوصاً اگر به خاطر مسائلی، در شرایطی ویژه قرار گرفته و متهم به ارتکاب جرم یا جرایمی گردد اینجاست که نیاز به قوانینی احساس می‌شود که به خوبی بتواند حقوق متهم را تضمین کند. حقوق دفاعی متهم امروزه به عنوان یکی از اصول مهم در محاکمه منصفانه، در اسناد بین‌المللی، منطقه‌ای و همچنین قوانین و مقررات کشورها مطرح و مورد حمایت واقع می‌گردد. این حقوق در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز مورد توجه قرار گرفته است (اسفندیاری و دیگران، ۱۳۹۶: ۲).

این امر منجر به ایجاد محدودیت‌هایی برای نهاد دادستانی در انجام تحقیقات مقدماتی می‌گردد. در واقع آنچه در مرحله تحقیقات مقدماتی برای نهاد دادستانی اختیار محسوب می‌گردد، برای متهم جزء حقوق دفاعی محسوب می‌گردد و بر این اساس یک دادرسی عادلانه منوط است به رعایت این محدودیت‌ها که توسط اساسنامه دیوان مورد توجه قرار گرفته است.

دادرسی عادلانه به معنای تضمینات کلی است که جهت رعایت حقوق طرفین در فرآیند دادرسی انواع دعای نزد دادگاهی صلاحیت دار، مستقل، بی‌طرف و قابل پیش‌بینی در مکانیزم قضایی پیش‌بینی شده است. این تضمینات در صورت تحقق، سبب محدودیت اقتدار دولت در قبال افراد و در نتیجه صیانت مناسب‌تر از حقوق افراد است. (حسینی، ۱۳۹۳: ۵) ضمن اینکه حق بر یک دادرسی منصفانه، خود، به عنوان یک حق ماهوی و جوهری نیز شناسایی شده است. این رویکرد با تفسیری نو و مستقل از تفاسیر کلاسیک در تعیین و تبیین مفهوم و قلمرو هر یک از تضمینات و حتی افزودن تضمینات نو در جهت واقعی کردن و منصفانه کردن رسیدگی‌های اداری، شبه قضایی و قضایی، در چارچوب حمایت از حقوق بشر حرکت می‌نماید. در واقع، آنچه اهمیت دارد، واقعی بودن رعایت تضمینات دادرسی به نحو مؤثر و جدی است و نه صرف رعایت شکلی و تشریفاتی آن (یاوری، ۱۳۹۳: ۱۲)، همچنین امنیت قضایی نیز از جمله اهداف شکل‌گیری محدودیت‌های حاکم بر تحقیقات مقدماتی است.

امنیت قضایی کلیه اقدامات حقوقی و قضایی از جمله احضار، دستگیری، بازداشت و محاکمه باید به موجب قانون باشد تا از این طریق امنیت قضایی تضمین گردد. امنیت قضایی اقتضای پیش‌بینی تضمیناتی برای اصحاب دعوا را دارد که این تضمینات همان اصول و معیارهای دادرسی عادلانه است. امنیت قضایی حقی است که برخورداری از آن مانع تعرض به اشخاص و آزادی‌های جسمانی اشخاص نظیر دستگیری و بازداشت می‌شود (عباسی، ۱۳۹۰: ۷).

بر این مبنا لازم است تا بدو اختیاراتی که دادستان در تحقیقات مقدماتی دارد، مورد بررسی قرار گیرد و سپس به محدودیت‌هایی که بر این اساس وجود دارد مطالعه گردد.

۳-۱. ابتکار عمل دادستان در شروع تحقیقات مقدماتی

یکی از ویژگی های نظام دادرسی در دیوان کیفری بین المللی، تفکیک مراحل تحقیق و محاکمه است بدین ترتیب، تمامی اقداماتی که به مهیا شدن پرونده به منظور سامان دادن محاکمه ای دقیق، مؤثر و عادلانه انجام می گردد در دادرسی دیوان و تحت ریاست و نظارت دادستان خواهد بود. همان گونه که در بند (ج) ماده (۱۳) اساسنامه آمده است، یکی از شیوه های که دیوان صلاحیت به رسیدگی دارد این است که دادستان تحقیقاتی را رأساً آغاز نماید.

نحوه گزینش وضعیت ها و اعمال صلاحیت در اختیار خود دیوان است. دفتر دادستانی دیوان کیفری بین المللی اقدام به تدوین سندی تحت عنوان «خط مشی (سیاست ها) کلی راجع به گزینش و اولویت بندی قضایا نموده است تا بتواند تحقیق و تعقیب خود را انجام دهد. پرواضح است که دادستان دیوان با توجه به محدودیت های موجود بر سر راه دیوان در انجام وظایفش به ناچار باید دست به گزینش و اولویت بندی قضایا بزند تا بتواند در راستای اهداف دیوان گام بردارد. طرح وضعیت های مختلف و انتخاب قضایا در دیوان همیشه آسان نبوده، چه اینکه انتخاب و انجام بررسی و تحقیقات مقدماتی توسط دادستان، سبب ناخرسندی برخی از دولت ها شده است. رویکرد و موضع گیری برخی دول آفریقایی و اتحادیه آفریقا نسبت به دیوان در این چارچوب بر کسی پوشیده نیست (رمضانی قوام آبادی، ۱۳۹۳: ۱۰۰).

در حقوق داخلی کشورها، وظیفه اصلی تعقیب و تحقیقات اولیه با دادستان است. شروع به تعقیب نیز با شکایت شاکی یا مدعی خصوصی و یا به طرق قانونی دیگر آغاز می گردد. دادستان به عنوان نماینده جامعه وارد شود و بدین وسیله تعقیب ادامه پیدا خواهد کرد. این امر به نحوی در حقوق بین الملل کیفری نیز صادق بوده، چه اینکه تصمیم به تعقیب و شروع تحقیقات اولیه با دادستان است. البته شروع به تحقیق در محاکم کیفری ویژه یوگسلاوی و رواندا با دیوان کیفری بین المللی قدری متفاوت بوده است. در محاکم کیفری، به ویژه شرع به تحقیق منحصرأ در ید دادستان خواهد بود، در حالی که چنین وضعیتی در دیوان کیفری بین المللی موکول به کسب مجوز از شعبه مقدماتی است (کسسه، ۱۳۸۷: ۵۰۶).

پیش بینی چنین اختیاری برای دادستان در کارهای مقدماتی ذیل تدوین اساسنامه دیوان با واکنش هایی روبه رو بود. حتی در پیش نویس طرح کمیسیون حقوق بین الملل هم این اختیارات وجود نداشت و در واقع ارجاع به همان دو مورد یعنی ارجاع وضعیت توسط دولت عضو و ارجاع توسط شورای امنیت محدود می شد. نگرانی دولت ها از آنجا ناشی می شد که گروهی از دولت ها بر استقلال دادستان و گروهی دیگر بر امکان سیاسی شدن آغاز تحقیقات توسط دادستان تأکید داشتند (صابر، ۱۳۸۸: ۱۸۸).

از جمله محدودیت های مرتبط با شروع به تحقیق توسط وجود معیارهایی است که در اساسنامه

ذکر شده و دادستان می‌تواند در صورت احراز آنها تحقیقات را آغاز نماید. این امر برخلاف نقش دادستان در حقوق داخلی است که با وجود شرایط و اطلاعات محدود نیز امکان شروع تحقیقات را دارد. اینکه آیا امکان شروع به تحقیق در یک وضعیت وجود دارد یا خیر، به بررسی دادستانی و تصمیم‌گیری توسط دادستان بازمی‌گردد.

دادستان می‌تواند اطلاعات مربوط به جنایات ارتكابی تحت صلاحیت دیوان را از منابع متعددی کسب نماید. دادستان بر اساس اطلاعاتی که خود رأساً به دست می‌آورد یا بر اساس اطلاعات واصله تحقیقاتی را آغاز خواهد کرد. البته لازم به ذکر است که دادستان دیوان نمی‌تواند رأساً تحقیقاتی را نسبت به دولت غیر عضو آغاز نماید، مگر اینکه اتباع دول عضو مظنون به ارتكاب جنایت مندرج در اساسنامه در سرزمین دولت غیر عضو گردند (رمضانی و قوام‌آبادی، ۱۳۹۷: ۹۲).

از جمله محدودیت‌های دیگر در زمینه تحقیقات مقدماتی این است که ابتکار دادستان دیوان کیفری بین‌المللی برای آغاز تحقیقات مربوط به وضعیت می‌شود و شامل قضیه نمی‌گردد. (شریعت باقری، ۱۳۸۴: ۷۱) در این صورت معمولاً وضعیت با فاکتورهای زمانی، مکانی و احتمالاً شخصی از قضیه که در آن تنها فاکتور شخصی مطرح است تمییز داده می‌شود. وضعیت اعم از قضیه است، وضعیت ممکن است شامل یک یا چند قضیه باشد. حال آنکه در یک قضیه ممکن است یک یا چند مظنون یا متهم تحت تعقیب قرار گیرند (موکانی^۱، ۲۰۰۸: ۴).

اولین معیار مورد نظر دادستان صلاحیت دیوان نسبت به اعمال ارتكابی یا در حال وقوع است. صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی محدود به جنایات شدیدی است که در ماده (۵) اساسنامه رم به چهار مورد نسل‌زدایی، جنایت علیه بشریت، جنایت جنگی و تجاوز ارضی تقسیم شده است. اساسنامه دیوان به صراحت مفاهیم صلاحیت را از قابلیت پذیرش تفکیک می‌کند. برای قابل پذیرش بودن یک قضیه در دیوان و شروع تحقیقات دادستان دو عنصر اساسی باید ارزیابی و بررسی شود: نخست) اصل تکمیلی بودن دیوان نسبت به محاکم ملی دول عضو؛ دوم) شدت قضایا.

۳-۲. رعایت حقوق متهم

نهاد دادستانی که وظیفه تحقیقات بر عهده آن می‌باشد، لازم است تا به منظور رعایت حقوق بنیادین بشر، حقوقی را در ارتباط با متهم رعایت نماید. این امر در اساسنامه دیوان نیز به عنوان یک تکلیف برای دادستان و معاونان وی که به امر تحقیق اشتغال دارند، محسوب می‌گردد.

یکی از حقوق متهم عدم اجبار و فشار برای اعتراف به ارتكاب جرم می‌باشد. در این خصوص بند (الف) و (ب) ماده (۵۵) اساسنامه رم مقرر می‌دارد «اشخاص: نباید اجبار به متهم ساختن خویش

1. Mbokani

و یا اعتراف به ارتکاب جرم شوند و نباید تحت اجبار، اکراه، تهدید و یا شکنجه و یا هر نحو دیگری از رفتارهای ظالمانه، غیرانسانی و یا تحقیر آمیز یا مجازات تأدیبی قرار گیرند.

با توجه به اینکه متهمان دیوان کیفری بین المللی ممکن است از ملیت های مختلف باشند، الزام دارد تا از مساعدت و کیل برخوردار باشند. بند (ج) ماده (۵۵) اساسنامه مقرر می دارد «متهم باید از مساعدت رایگان یک مترجم توانا که (امر ترجمه را آن چنانکه شایسته یک ترجمه مناسب است انجام می دهد) بهره ببرند. مساعدت مترجم در صورتی است که بازجوئی ها از اشخاص به زبان دیگری غیر از زبانی که شخص کاملاً درک و صحبت می کند، صورت گیرد».

موضوع مترجم از اموری است که هم در مورد متهم و هم در تحقیقات از شهود حائز اهمیت می باشد. این امر در رسیدگی های دیوان بعضاً موجب استرداد شهادت شهود در مرحله دادرسی شده و این امر امکان اثبات جرم را با مشکل مواجه ساخته است.

در این خصوص لازم است تا به شهادت یکی از شهود در پرونده آقای لوبانگا اشاره نمود که در آن، یکی از کودکان سربازان برای شهادت به دادگاه احضار شده بود که برای عدم مواجهه با متهم از طریق مانیتور شهادت دهد؛ اما علی رغم اظهارات او در مرحله تحقیقات توسط دادستانی، در مرحله رسیدگی و نزد دیوان به هنگام ادای شهادت، اعلام نمود که چیزی که وی گفته مقصود او نبوده است و حرف های وی تحریف شده یا درست ترجمه نشده است (سبحانی، ۱۳۹۹: ۱۱۶).

موضوع دیگری که در خصوص حقوق متهم حائز اهمیت می باشد، مسئله بازداشت متهم است. علی رغم اصل براءت و به منظور حفظ نظم اجتماعی و اعمال عدالت کیفری دستگاه قضایی در موارد یاری از متهمین (کسانی که هنوز بزهدکاری آنان مسلم نیست) مبادرت می ورزد. مشکل وقتی ایجاد می گردد که شخص پس از گذراندن هفته ها، و ماه ها و گاهی سال ها در زندان، سرانجام به جزای نقدی و یا به مدتی کمتر از آنچه بازداشت بوده است محکوم و یا حتی به کلی تبرئه می گردد. حق جبران خسارت نسبت به افرادی که بازداشت یا دستگیری آنها، حقوق داخلی یا استانداردهای بین المللی را نقض کرده لازم الاجراست (خداخواه، ۱۳۹۷: ۱۵۶).

این امر در بند (د) ماده (۵۵) اساسنامه این گونه آمده است «نباید خودسرانه و بلاجهت دستگیری و بازداشت شوند و نباید آزادی آنها سلب گردد مگر مطابق جهات و ترتیباتی که در این اساسنامه مقرر شده است» در خصوص بازداشت افراد نقش شعبه مقدماتی حائز اهمیت می باشد. مطابق ماده (۵۸) اساسنامه رم، صدور حکم بازداشت و یا احضاریه برای متهم از وظایف شعبه مقدماتی می باشد که با توجه به درخواست دادستان و با در نظر گرفتن شرایط و مدارک، صادر می گردد و در آن علاوه بر مشخصات فرد و اتهامات، خلاصه وقایع ادعایی نیز درج می گردد.

درواقع شکل گیری یک پرونده زمانی است که قرار دستگیری از سوی شعبه مقدماتی صادر شود. به موجب این قرار، فرد یا افرادی متهم به ارتکاب جنایت یا جنایت هایی شناخته می شوند.

هنگامی که تعقیب یک پرونده خاص آغاز می‌شود، این امکان به وجود می‌آید که بزهدیدگان آن پرونده نیز تعیین شوند (باومگارتنر^۱، ۲۰۰۸: ۴۱۵).

در خصوص بازجویی از متهم نیز شاهد محدودیت‌هایی وفق ماده (۶۱) اساسنامه می‌باشیم که مقرر می‌دارد «در موردی نیز که قرار است شخص مجرم که مشمول صلاحیت این دیوان است مطابق ترتیبات مقرر در فصل نهم این اساسنامه توسط دادستان و یا مراجع مسئول داخلی مورد بازجویی قرار گیرد، آن شخص دارای حقوق ذیل است که باید قبل از بازجویی از آن حقوق مطلع شود: قبل از بازجویی باید مطلع شود که قرائنی مبنی بر ارتکاب یکی از جرائم در محدوده صلاحیت دیوان توسط وی وجود دارد، می‌تواند سکوت اختیار کند بدون اینکه آن سکوت دلالت بر مجرمیت یا بی‌گناهی وی داشته باشد، می‌تواند از مساعدت‌های حقوقی که به او اختصاص می‌یابد استفاده نماید. بدیهی است در صورتی که اجرای عدالت ایجاب نماید که مساعدت‌های حقوقی به وی داده شود، اما او قادر به تأمین هزینه‌های آن نباشد، آن مساعدت‌ها به صورت رایگان به او ارائه خواهد شد. بازجویی از وی در حضور وکیل صورت می‌گیرد، مگر آنکه خود وی از این حق صرف نظر نماید».

۳-۳. تردید در بی‌طرفی دادستان

یکی دیگر از محدودیت‌های که بر نهاد دادستانی دیوان در تحقیقات مقدماتی حاکم است بحث بی‌طرفی دادستان و معاونان وی که امر تحقیق بر عهده آنان است می‌باشد. این امر نه تنها منجر به دادرسی عادلانه می‌گردد بلکه اعتماد به دیوان را میان دولت‌های عضو و افکار عمومی افزایش می‌دهد. امروزه، از دادرسی عادلانه به منزله حقی بشری سخن می‌رود و از جمله مؤلفه‌های دادرسی عادلانه، رعایت اصل بی‌طرفی در فرایند دادرسی است. بی‌طرفانه بودن دادرسی شرط لازم ولی ناکافی برای عادلانه بودن دادرسی است. همچنین تأمین امنیت قضائی مستلزم وجود دادرسی بی‌طرفانه‌ای است که طی آن، افزون بر اصل قانونی بودن دادرسی، حق‌های دادرسی طرف‌های دعوا بدون توجه به جایگاه یا شخصیت آنان در قالب قوانین دادرسی پیش‌بینی شده باشد و قانون نگذار با دادن حق‌های بیشتر به کی طرف دعوا یا تحمیل محدودیت‌های بیشتر برای طرف دیگر دعوا نقض بی‌طرفی نکرده باشد. در فرایند عملی دادرسی نیز نقض احتمالی بی‌طرفی از سوی دادرس رسیدگی‌کننده یا اشخاص دخیل در پرونده ایجاد دغدغه خاطر برای طرف‌های دعوا نکند (ناجی، ۱۳۸۵: ۳۱).

این موضوع در اساسنامه رم نیز مد نظر واضعان قرار گرفته و در بند (۷) ماده (۴۲) اساسنامه این‌گونه مقرر شده است که «دادستان و معاونان وی نمی‌توانند در حل و فصل موضوعی که در آن

1. Baumgartner

بی طرفی آنها به نحو معقول و بهر دلیلی ممکن است مورد تردید واقع شود، شرکت نمایند. آنان به موجب این بند، از دخالت در موضوعی که سابقاً، تحت هر عنوانی، در مقابل دادگاه مطرح نموده یا در یک پرونده کیفری مرتبط با آن در محاکم ملی که در آن شخص مورد تحقیق یا تعقیب مطرح بوده است مداخله نموده اند، ممنوع اند. هر اختلاف مربوط به رد دادستان یا معاون وی به موجب تصمیم شعبه تجدید نظر حل و فصل خواهد شد. الف) شخصی که مورد تحقیق یا تعقیب قرار گرفته در هر زمان می تواند درخواست رد دخالت دادستان یا معاون دادستان را به جهاتی که در این ماده آمده است، بنماید، ب) دادستان یا معاون دادستان که رد آنها درخواست شده است، حسب مورد می تواند ملاحظاتی را در مورد مسأله ارائه نماید».

به علاوه امکان کناره گیری از تحقیقات مقدماتی در یک پرونده به دلایل مختلف از جمله اینکه ممکن است بی طرفی دادستان مورد تردید باشد نیز وجود دارد. برای این منظور بند (۶) ماده (۴۲) اساسنامه مقرر می دارد «هیأت رئیسه می تواند دادستان یا معاون وی را حسب درخواست آنها از رسیدگی به پرونده معینی معاف نماید».

۳-۴. محدودیت زمانی در تحقیقات مقدماتی

یکی از مواردی که در تحقیقات مقدماتی حائز اهمیت است مهلت و محدوده زمانی تحقیقات می باشد. در اساسنامه محدودیت زمانی برای صلاحیت دیوان تعریف شده که مطابق ماده (۱۱) اساسنامه دیوان نسبت به جرائمی صلاحیت دارد که بعد از لازم الاجرا شدن این اساسنامه یعنی اول جولای ۲۰۰۲ باشد؛ اما بحث ما در مورد محدودیت زمانی مرتبط با این امر نیست و به بازه زمانی تحقیقات مقدماتی بازمی گردد.

علت اهمیت زمان در تحقیقات مقدماتی این است که معمولاً مدت زیادی از تاریخ وقوع جرم تا انجام تحقیقات نگذشته و دلایل و آثار جرم از بین رفته است، شهود احتمالی هنوز مشاهدات خود را به خاطر دارند و این احتمال وجود دارد که متهم هنوز متواری نشده یا برای رهایی از مجازات با شرکا و معاونین خود است به تبانی نزده باشد. بدین ترتیب تحقیقاتی که در این هنگام صورت می گیرد، تأثیر زیادی در حفظ و جمع آوری دلایل و تشکیل پرونده ای کامل و آماده برای رسیدگی در دادگاه داشته، اهمیت اقدام به موقع و سریع مرجع تحقیق در این زمینه انکارناپذیر است (پزشکی زاده، ۱۳۹۷: ۲).

در اساسنامه به مهلت معقول اشاره شده است که مهلت معقول به عنوان یکی از مؤلفه های دادرسی منصفانه تلقی می شود. حق بر مهلت معقول، مبین ایده سرعت در دادرسی است به این مضمون که فرد نباید برای زمان بیش از حد طولانی در بازداشت موقت بمانی و نکته دیگر اینکه

متهم باید خر چه سریع‌تر برای محاکمه به دادگاه صالح هدایت گردد؛ یعنی در مورد متهم تعیین تکلیف شود که آیا مجرم است یا اینکه باید تبرئه گردد (رضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۸: ۱۰۰).

۳-۵. تأیید اتهامات منتسب به متهم

مطابق اساسنامه رم تأیید اتهامات قبل از دادرسی با شعبه مقدماتی می‌باشد که البته این امر با فرایند خاصی همراه است. بر این اساس شعبه مقدماتی موظف است برای تأیید اتهامات دادستان، جلسه‌ای را ترتیب داده و در این جلسه دادستان، متهم و وکیل وی حاضر خواهند شد.

ماده (۶۱) اساسنامه رم مقرر می‌دارد «بعد از گذشت مدت متعارفی از تسلیم شخص به دیوان و یا حضور داوطلبانه وی در آن، شعبه مقدماتی موظف است جلسه‌ای را به منظور تأیید اتهاماتی که دادستان رسیدگی به آنها را تقاضا کرده تشکیل دهد، جلسه مذکور با رعایت شرایط مقرر در بند (۲)، با حضور دادستان و متهم و همچنین وکیل وی تشکیل خواهد شد. شعبه مقدماتی در موردی می‌تواند رأساً و یا متعاقب درخواست دادستان جلسه‌ای را در غیاب متهم و به منظور تأیید اتهاماتی که دادستان رسیدگی به آنها را تقاضا کرده است، تشکیل دهد که شخص متهم:

الف) حق حضور خود را ساقط کرده باشد؛

ب) فرار کرده و یا پیدا نشده و همه اقدامات لازم برای اطمینان از حضورش در دیوان و اطلاع او از اتهاماتی که به او منتسب است و نیز از جلسه‌ای که به منظور تأیید آن اتهامات تشکیل خواهد شد، صورت گرفته است. در چنین صورتی وکیل به نمایندگی از شخص در جلسه حاضر خواهد شد به شرط آنکه شعبه مقدماتی این حضور را در راستای اجرای عدالت بداند...» لذا موضوع تعیین تکلیف پیرامون اتهامات نیز از جمله مواردی است که باید توسط شعبه مقدماتی مورد تأیید قرار گیرد و به صرف بیان اتهامات توسط نهاد دادستانی، این اتهامات به متهم منتسب نمی‌گردد.

بحث و نتیجه‌گیری

با ارتکاب جرائم هولناک در طول قرن بیستم به تدریج جامعه جهانی به فکر محاکمه مرتکبین این جرائم افتاد. کنفرانس‌های صلح لاهه را می‌توان مهم‌ترین تلاش بین‌المللی در زمینه مقابله با جرائم بین‌المللی دانست که منجر به شکل‌گیری کنوانسیون‌های لاهه گردید. متعاقب آن در اوایل قرن بیستم شاهد شکل‌گیری محاکم کیفری بین‌المللی برای محاکمه مرتکبین جرائم علیه صلح و امنیت بین‌المللی و برهم‌زنندگان نظم جامعه هستیم. در این میان تحقیقات مقدماتی یکی از مسائلی که شکل‌دهنده دادرسی در مراحل بعدی است که با توجه به ساختار دیوان کیفری بین‌المللی این امر بر عهده دادستان و معاونان وی می‌باشد. در خصوص صلاحیت دیوان، اساسنامه دادگاه بین‌دو مفهوم «قابلیت پذیرش» و «صلاحیت» تفاوت قائل شده است. منظور از صلاحیت قابلیت دادگاه جهت رسیدگی به دعاوی مختلف از لحاظ عناصر زمانی، مکانی، نوع جرایم ارتكابی، وضعیت

مرتکبان آنها و نظایر اینها می باشد. درحالی که منظور از قابلیت پذیرش پاسخگویی به این سؤال است که در صورت وجود آن صلاحیت ها و پس از احراز آنها، دادگاه کیفری بین المللی با چه شرایط و در چه مواردی حق دخالت دارد. همچنین در خصوص جرائم قابل رسیدگی، صلاحیت دیوان محدود است به الف) نسل زدایی؛ ب) جرائم ضد بشریت؛ ج) جرائم جنگی و د) جرم تجاوز ارضی. همچنین دیوان دارای صلاحیت تکمیلی و زمانی نیز می باشد. همچنین اساسنامه رم به عدم شمول صلاحیت دیوان نسبت به اشخاص کمتر از ۱۸ سال اشاره دارد. در خصوص ساختار و تشکیلات نهاد دادستانی دیوان کیفری بین المللی نیز مثل دیوان های کیفری بین المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا دارای دادسرای مستقلی می باشد که در راس آن دادستان و یک یا چند معاون به طور تمام وقت انجام وظیفه می کنند. همچنین شعبه مقدماتی نیز از ارکان مهم دیوان کیفری بین المللی می باشد که نقش مهمی در ارتباط با دادستانی دیوان دارد. عمده وظایف شعبه مقدماتی را می توان در سه بخش مهم تقسیم بندی نمود: الف) صدور مجوز شروع تحقیقات؛ ب) صدور حکم بازداشت در صورت کافی بودن مدارک؛ ج) تأیید اتهامات ادعا شده علیه متهم. در دیوان بین المللی کیفری، سیستم ارجاع مستقیم پرونده به دادگاه وجود ندارد و نقش دادستان در تصمیم به تعقیب و مدیریت قضایی موضوعات داخل در صلاحیت این مرجع، بسیار حساس است به موجب بند (۳) ماده (۱۳) اساسنامه دیوان، یکی از سازوکارهای اعمال به آغاز صلاحیت در دیوان، اقدام خود دادستان است که به اعتبار سمت و اختیاراتش صورت می گیرد به موجب ماده (۱۵) دادستان می تواند به ابتکار خویش و به اعتبار اطلاعاتی که از اشخاص و مراجع مختلف به دست می آورد، تحقیقاتی را در خصوص مورد آغاز نماید و اگر به این نتیجه برسد که مبنای معقول برای توسعه تحقیقات وجود دارد، درخواستی را به انضمام کلیه اسناد و مدارک مثبت های که جمع آوری کرده است، برای گرفتن مجوز تحقیقات به شعبه مقدماتی تسلیم نماید. محدودیت های نهاد دادستانی شامل ابتکار عمل دادستان در تحقیقات مقدماتی، رعایت حقوق متهم، تردید در بی طرفی دادستان و محدودیت زمانی می باشد.

پیشنهادها

- ۱) تعیین چارچوب برای اختیارات صلاحیدی دادستان به منظور شروع تحقیقات
- ۲) استفاده از سازمان های و نهادهای بین المللی غیردولتی در کمک به جمع آوری ادله

- اختری، سجاد؛ افراسیابی، علی. (۱۳۹۲). نقش اینترپل در پاسخ به جرایم بین‌المللی. *مطالعات بین‌المللی پلیس*، ۴(۱۵)، ۸۳-۴۷.
- http://interpol.jrl.police.ir/article_12795.html
- اسفندیاری بیات، حمزه؛ شفیع، . (۱۳۹۶). بررسی حقوق دفاعی متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی. *مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه*، ۳(۲)، ۴۶-۳۷.
- <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1232210/>
- بیگ‌زاده، ابراهیم. (۱۳۸۲). چالش‌های فراروی دیوان کیفری بین‌المللی. *سیاست خارجی*، ۲(۶۶)، ۳۷۵-۳۵۲.
- <http://ensani.ir/fa/article/98557>
- پزشکی‌زاده، سعید. (۱۳۹۷). حقوق متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی، دومین کنفرانس پژوهش در فقه، حقوق و علوم اسلامی. تهران.
- حسینی، سیده لطیفه. (۱۳۹۳). *آشنایی با مفهوم حقوق عمومی، بررسی مفهوم دادرسی عادلانه*. دفتر مطالعات نظام‌سازی اسلامی. پژوهش‌کننده شورای نگهبان.
- خداخواه، نسیم. (۱۳۹۷). حقوق بزه‌دیده و متهم در دیوان کیفری بین‌المللی. *وکیل مدافع*، (۱۷)، ۱۶۵-۱۴۹.
- http://www.vakilmodafemag.ir/article_۸۰۳۱۰_۴۵ac۰f۰۴۱۹۰۳۲d۶۹۴۳۵۰e۳acd۶dvd۲f.pdf
- داداش‌زاده، پرینوش. (۱۳۹۶). *نقش دیوان بین‌المللی کیفری در پیشگیری از وقوع جرایم بین‌المللی*. کنفرانس پژوهش‌های نوین ایران و جهان در مدیریت، اقتصاد، حسابداری و علوم انسانی.
- سبحانی، محمدرضا. (۱۳۹۹). چالش‌های دیوان کیفری بین‌المللی در رسیدگی به وضعیت جمهوری دموکراتیک کنگو، *حقوق بین‌المللی کیفری*، (۱۱)، ۱۲۷-۱۱۱.
- https://www.jiel.ir/article_113098_ebc4bad9f775d3f9aee87e115d40956f.pdf
- شریعت باقری، محمدجواد. (۱۳۸۹). *حقوق کیفری بین‌المللی*. جنگل.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا. (۱۳۹۲). *حقوق بین‌الملل بشردوستانه*. چاپ دوم. گنج دانش.
- عباسی، بیژن. (۱۳۹۰). *حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین*. دادگستر.
- فضائلی، مصطفی. (۱۳۸۷). *دادرسی عادلانه در محاکمات کیفری بین‌المللی*. چاپ دوم. موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- کریمی، سحر؛ کیانی رثوف، احسان. (۱۳۹۴). *بررسی ساختار و تشکیلات دیوان کیفری بین‌المللی*. دومین کنفرانس بین‌المللی اقتصاد، مدیریت و فرهنگ ایرانی اسلامی. اردبیل.
- موذن‌زادگان، حسنعلی. (۱۳۸۹). *تضمینات حقوق دفاعی متهمان و امر بازجویی در مرحله تحقیقات مقدماتی*. *حقوق سیاست*، ۱۲(۲۸)، ۳۳۰-۳۰۱.
- <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=174765>
- میر محمدصادقی، حسین. (۱۳۸۸). *دادگاه کیفری بین‌المللی*. دادگستر.

- یآوری، اسدالله. (۱۳۹۳). از دادرسی تا دادرسی منصفانه « تحول در مفهوم و قلمرو کلاسیک دادرسی و تضمینات آن. تحقیقات حقوقی. (۶۸)، ۲۳۸ – ۲۰۹.

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1183749/>

- Baumgartner, E. (2008). Aspects Of Victim Participation In The Proceedings Of The International Criminal Court. *International Review of The Red Cross*. 90 (87).

https://international-review.icrc.org/sites/default/files/irrc-870_14.pdf

- Wippman, D. (2006). *Exaggerating the ICC, in Joanna*. Harrington and others. Eric. K.

- Leonard, E. K. (2005). *The onset of global governance. International Relations Theory and the International Criminal Court*, 87-104.

- *Report of the International Law Commission Work of his Forty- Sixth Session*, 2may-22july, 1994 UN General Assembly Official Records. Forty- Ninth Session Supplement No. 10, 183 – 1.

https://legal.un.org/ilc/documentation/english/reports/a_49_10.pdf